دریچه

۲ جایزه جشنواره فیلم شانگهای برای «مسیر معکوس»

● «مسیر معکوس» ساخته ابوالفضل جلیلی برنده دو جایزه بهترین کارگردانی و بازیگر مرد از جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای چین شد. «مسیر معکوس» ساخته ابوالفضل جلیلی که تنها نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی اصلی جشنواره فیلم شانگهای بود، در نهایت موفق به دریافت جایزه بهترین کارگردانی (ابوالفضل جلیلی) و بهترین بازیگر مرد (پویان شکری) از این رویداد سینمایی شد. پویان شکری، مهدیار اصغری، مسعود ناجی، محمدحسین پاکدامن، فائزه یوسفی، عباس تقی‌آبادی، فهیمه مؤمنی، سام حسنی‌پامساری، هلیا حسن‌زاده، حسین محروقی، کوروش خزایی و میلاد نوابی بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

بیست‌وچهارمین دوره این جشنواره از ۱۱ تا ۲۰ ژوئن (۲۱ تا ۳۰ خردادماه) در چین برگزار شد و چند فیلم ایرانی دیگر نیز میهمان این جشنواره سینمایی بودند. در بخش پانوراما‌ی جشنواره فیلم شانگهای نیز «خورشید» ساخته مجید مجیدی و «دشت خاموش» ساخته احمد بهرامی، «داستان دست‌انداز» ساخته کمال تبریزی در اولین حضور جهانی‌اش، «بی‌سر» ساخته کاوه سجادی حسینی، «باریکه» ساخته عبدالرضا کاهانی، «مجبوریم» ساخته رضا درمیشیان، «پسران دریا» از افشین هاشمی و «درخت گردو» ساخته محمدحسین مهدویان حضور دارند. انیمیشن «نهنگ سفید» ساخته امیر مهران در بخش فیلم‌های کوتاه پانوراما و «مایا» به کارگردانی جمشید مجددی و آنسون هارتفورد و محصول ایران و انگلستان هم در بخش مستند پانوراما به روی پرده می‌روند. در بخش هفته فیلم کمربند و جاده جشنواره شانگهای هم فیلم‌های «روباه در یک سوراخ» ساخته آرمان ریاحی و محصول اتریش و «شنای پروانه» ساخته محمد کارت روی پرده می‌روند.

بازتاب نمایش فیلم ایرانی در فضای روباز برلین

● **ایسنا:** فیلم «قصیده گاو سفید» به عنوان یکی از فیلم‌های بخش رقابتی اصلی جشنواره برلین در بخش تابستانی این رویداد سینمایی در سالن‌های روباز به روی پرده رفت. بخش دوم و تابستانی جشنواره فیلم برلین از ۱۹ خرداد (۹ ژوئن) آغاز شده و تا فردا ۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن) ادامه خواهد داشت و طی آن مجموعه‌ای منتخب از آثار جشنواره در ۱۷ سینمای روباز شهر برلین به روی پرده رفتند. فیلم «قصیده گاو سفید» ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم و تهیه‌کنندگی غلامرضا موسوی که در بخش مسابقه اصلی جشنواره برلین حضور دارد، اولین نمایش خود را در تاریخ ۱۷ ژوئن (پنجشنبه ۲۷ خرداد) تجربه کرد و پس از آن روز ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد) دومین و ۲۹ خرداد سومین و آخرین نمایش خود را در جشنواره برلین داشت. بهتاش صناعی‌ها، مریم مقدم، علیرضا ثانی‌فر و غلامرضا موسوی از عوامل این فیلم هستند که در فوتوکال و فرش قرمز این فیلم حاضر شدند. «پیتر دبروگ» منتقد ورایتی، «اریک کان» از ایندی وایر و «سارا وارد» از اسکرین از جمله منتقدانی هستند که با انتشار یادداشت‌هایی جداگانه درباره فیلم «قصیده گاو سفید» به تمجید از داستان درگیرکننده، عمیق و تکان‌دهنده این فیلم، بازی‌های درخشان و دقت در ساخت این فیلم ازسوی بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم پرداخته و این دو کارگردان جوان را صدایی نو در سینمای ایران توصیف کرده‌اند. اغلب این منتقدان فیلم «قصیده گاو سفید» را یادآور فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی و «شیطان وجود ندارد» از محمد رسول‌اُف دانسته‌اند که هر دو فیلم موفق به کسب جایزه خرس طلای بهترین فیلم برای سینمای ایران شده‌اند. امسال جشنواره فیلم برلین به سبب محدویت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا در دو مرحله برنامه‌ریزی شده است و مرحله نخست آن از اول تا پنجم مارس (۱۱ تا ۱۵ اسفند) و به‌صورت مجازی میزبان رویدادهای مرتبط با صنعت سینما از جمله بازار فیلم اروپا (EFM) بود.

یک بخش جدید به جشنواره کن اضافه شد

● هفتادوچهارمین جشنواره فیلم کن برای نخستین بار در بخشی ویژه به نمایش آثار داستانی و مستند درباره تغییرات اقلیمی می‌پردازد. در این بخش که «سینما برای اقلیم» نام‌گذاری شده است در مجموع یک فیلم داستانی و شش مستند در حوزه مسائل زیست‌محیطی به نمایش گذاشته خواهد شد. «جنگ صلیبی» ساخته «لوئیس گارل» از فرانسه تنها فیلم داستانی این بخش است که «لوئیس گارل» با همکاری با «ژان کلود کریر» فیلم‌نامه‌نویس شهیر فرانسوی که در ماه فوریه درگذشت، نگارش آن را بر عهده داشته است. مستندهای «بالای آب» به کارگردانی «آیسا مایگا» (نیجر و فرانسه)، «شیاطین ناپیدا» ساخته «راهول جان» (هند)، «حیوان» ساخته «کریل دیون» (فرانسه)، «خیلی متأسفم» به کارگردانی «ژائو لیانگ» (فرانسه و چین)، «بزرگ‌تر از ما» به کارگردانی «فلوره واسر» (فرانسه) و «پلنگ برفی» از «ماری آمیگو» (فرانسه) دیگر فیلم‌هایی هستند که در این بخش به نمایش گذاشته می‌شوند. هفتادوچهارمین دوره جشنواره کن از ۶ تا ۱۷ جولای (۱۵ تا ۲۶ تیر) برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با بهمن فرمان‌آرا درباره فیلم «گزارش» به بهانه زادروز عباس کیارستمی

از دید یک کارگردان به فیلم نگاه می‌کردم

عکس: سهند تاکی، شرق

بهناز شیربانی: «گزارش» فیلم ویژه‌ای است. هم در کارنامه کارگردانش عباس کیارستمی که به یقین به عنوان تجربه نخستین فیلم بلند در زمان خودش چند گام به جلو بوده و وقتی پس از سال‌ها بار دیگر مرورش می‌کنیم، نگاه مؤلف و سازنده‌اش را بیشتر تحسین می‌کنیم. از ساخت این فیلم ۴۴ سال می‌گذرد؛ فیلمی به تهیه‌کنندگی بهمن فرمان‌آرا که خود دلیل محکم‌تری برای چرایی ماندگاری فیلم است. به بهانه زادروز خالق این اثر با بهمن فرمان‌آرا هم‌صحبت شدیم.

اینکه ایده ساخت فیلم «گزارش» چطور با فرمان‌آرا در میان گذاشته شد؟ روایت جالبی دارد. «من کارهای عباس را دیده بودم، ولی آشنایی شخصی با او نداشتم. روزی که با طرح فیلم «گزارش» پیش من آمد، ساعتی صحبت کردیم و با همان طرحی که نوشته بود، آمادگی‌ام را برای ساخت فیلم اعلام کردم. به عباس گفتم باید فیلم‌نامه را آماده کنی و تعجب کرد که بدون هیچ معطلی و ادا و اصولی طرح را قبول کردم. رفت فیلم‌نامه را نوشت و ساخت فیلم را آغاز کردیم و دوستی ما هم شروع شد و تا زمان مرگش ادامه داشت.

اما وقتی به فیلم «گزارش» فکر می‌کنم نه به این دلیل که تهیه‌کننده فیلم بودم، به عنوان یک مخاطب می‌توانم بگویم این فیلم یکی از بهترین فیلم‌های اجتماعی است که عباس ساخته. همان زمان هم گرفتاری‌های روابط انسانی و اجتماعی و اداری درهم‌تنیده بود. خاطرم هست روز اول فیلم‌برداری پیش من آمد و گفت: «باید فیلم‌برداری رو تعطیل کنیم». ظاهرا دختربچه‌ای که در فیلم بازی می‌کرد، از همان دقایق اول فیلم‌برداری، بدقلقی می‌کرد. عباس هم که به این مسائل خیلی حساس بود، خواست که فیلم‌برداری تعطیل شود و معتقد بود با این بچه نمی‌توان ادامه داد. راننده‌ای در گروه داشتیم که برای امضای برگه حقوقش پیش من آمد و از شرایط فیلم‌برداری باخبر بود. پیشنهاد جالبی داد. خواست که دختر خواهرش که بسیار اجتماعی و خوش‌مشرب بود را برای تست و بازی به لوکیشن بیاورد. قبول کردیم. به محض اینکه دختر وارد لوکیشن شد و پدر و مادرش را در فیلم به او معرفی کردیم، این دختر چهارساله به‌سرعت با اعضای گروه و بازیگران ارتباط گرفت و اصلا همه چیز برای ما شبیه معجزه بود. این دختر آن‌قدر باهوش بود که در سکانس دعوای پدر و مادر، درحالی‌که گریه می‌کند و تلفن خانه زنگ می‌زند، تلفن را برمی‌دارد و جواب می‌دهد. این دختر بسیار خوب بازی کرد و «گزارش» هم در نتیجه فیلمی شد که در کارنامه خود عباس هم بسیار مهم است».

فرمان‌آرا در پاسخ به این پرسش که ساخت چنین فیلمی در آن زمان ریسک محسوب می‌شد و به عنوان تهیه‌کننده چطور به چنین سینمایی ورود کرد؟ گفت: «زمانی که مدیر شرکت گسترش صنایع سینمای ایران بودم، برنامه‌ای داشتم مبنی بر اینکه سینمای متفاوتی را در ایران گسترش بدهم. فیلم صحرای تاتارها را ساختیم، هدف ما ساخت فیلم‌هایی بود که اساسا در سینمای تجاری آن زمان جایی نداشتند. به همین جهت چون فیلم‌های کوتاه عباس کیارستمی را دیده بودم، شک نداشتم که فیلم‌ساز توانمندی است. اما زمانی که مدیریت شرکت گسترش صنایع سینمای ایران به من سپرده شد، «شازده احتجاب» را ساخته بودم که جایزه جشنواره جهانی فیلم تهران را گرفت و بسیار سروصدا کرد. تهیه‌کننده‌ای نبودم که سناریو را نشناسم. با خودم فکر می‌کردم اسم من در تیتراژ فیلم خواهد آمد، بنابراین باید دقت بیشتری در انتخاب‌هایم داشته باشم. خوشبختانه با عباس کیارستمی راحت بودم و بدون مشکل فیلم ساخته شد. عباس فیلم‌نامه «گزارش» را نوشت، وقتی به سراغ انتخاب بازیگر رفتیم انتخاب‌های خوبی داشتیم و عمدتا از دید یک کارگردان به فیلم نگاه می‌کردم».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «عباس زمانی به شهرت رسید که کاملا یک هنرمند پخته بود. او هم نجاری می‌کرد، هم کارگردان بود. عکاسی و نقاشی هم از دیگر هنرهایش بود. آدمی با مشخصاتی خاص که چندوجهی بود. اینکه اواخر دوران کارش بازگشتی به فیلم‌های گذشته‌اش کرد، برایم جالب بود. در فیلم‌های «کپی برابر اصل» یا «مثل یک عاشق» به نوعی به سبک فیلم «گزارش» رجعت کرده بود. به همین جهت فکر می‌کنم راهی که رفت و تمرینی که داشت، فصل جدیدی در کار سینمایی‌اش بود. می‌دانم شهیدثالث هم قبل از عباس چنین کاری کرده بود، اما عباس به‌خاطر چندوجهی‌بودنش از این موفقیت توانست آثاری خلق کند که با مخاطب خارجی هم ارتباط بسیار خوبی برقرار کند».

کارگردان فیلم «خانه‌ای روی آب» درباره عکس‌العمل‌ها بعد از ساخت «گزارش» گفت: «همواره در مملکت ما این اشکال وجود داشته که تعداد کمی از افراد وقتی فیلم‌نامه را می‌خوانند، در ذهنشان فیلم را می‌بینند. بارها پیش آمده فیلم‌نامه‌ای را برای افرادی فرستادم و متوجه آن نشده‌اند و بعد از ساخت فیلم برایشان فهم شده است. به نظرم کار استثنائی آن بود که به عنوان تهیه‌کننده با افراد خاصی کار کردم. عباس کیارستمی هنرمند بود. متأسفانه فرصت نشد با مهرجویی کار کنم یا با نعمت حقیقی فیلم بسازیم اما همین اندک فیلمی که به عنوان تهیه‌کننده در کنار کارگردان‌های خوبی حضور داشتم، توانستم به بخشی از هدفی که مشخص کرده بودم برسم. خاطرم هست پیش از آنکه فیلم «گزارش» را شروع کنیم در فستیوال بین‌المللی فیلم تهران در بخشی از این جشنواره، چند فیلم کوتاه از عباس کیارستمی نمایش داده شد، بعد زمانی که برای اجازه ساخت «گزارش» اقدام کردیم، گفتند کیارستمی تابه‌حال فیلم نساخته است و اجازه نمی‌دهیم فیلم بلند بسازد. بعد از آن نامه‌ای به وزیر نوشتم و گفتم که در جشنواره چند فیلم کوتاه از عباس نمایش داده شده است و در نهایت اجازه ساخت «گزارش» صادر شد. با وجود اینکه گفته می‌شود در این مملکت هنر نزد ایرانیان است و بس، فکر می‌کنم هیچ آوانسی به هنر و هنرمند داده نمی‌شود، مگر اینکه مجبور شوند.

عارف زمانه ما بود

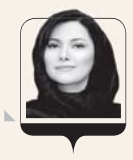

فرنوش صمدی

خیلی عجیب است که در جاده رودبار بودم که از خانم شیربانی پیام دریافت کردم که از من خواسته بودند متنی به مناسبت تولد آقای کیارستمی بنویسم. بی‌شک که ایشان از علاقه و ارادت من نسبت به عباس کیارستمی باخبر بودند و باعث افتخار من است که چند خطی برایشان بنویسم. متأسفانه من جزء شاگردان حضوری آقای کیارستمی نبودم؛ اما بدون‌شک یکی از هزاران سینماگر در جهانم که شاگرد غیرحضوری ایشانم و همیشه این حسرت با من است که چطور هیچ‌وقت از نزدیک ایشان را ملاقات نکرده‌ام و طبعا خاطره‌ای هم برای نوشتن ندارم. برای من آقای کیارستمی فقط یک فیلم‌ساز نیست. به نظرم ایشان عارف زمانه ما بودند. کسی که برای روشن‌کردن راهی برای سفر درون آمده و این کار را با زبان سینما، شعر، عکس و... انجام داد. بسیار برایم پیش آمده که به وقت نوشتن یا ساخت فیلم به یأس رسیده‌ام؛ ولی با دیدن یکی از مصاحبه‌های عباس کیارستمی یا خواندن چند هایکو از او، امیدوار به کارم برگشته‌ام، انگار در کلامشان کلیدواژه‌هایی با نور وجود دارد که در جان دل می‌نشیند و در روح نفوذ می‌کند و راهی جدید در تو پیدا می‌شود.

فیلم‌های او را چندین بار دیده‌ام؛ اما اگر یکی را انتخاب کنم، بدون‌شک فیلم کلوزآپ خواهد بود. به نظرم کلوزآپ تنها فیلم سینمای جهان است که پر از لایه و مفاهیم در باب زندگی است؛ در باب امید، رؤیا و عشق.

چه خوشبختم که در زمانه ایشان زندگی کرده‌ام، زادروزتان مبارک آقای عباس کیارستمی عزیز و دوست‌داشتنی. دوست دارم متنم را با دکلمه‌ای از ایشان به پایان برسانم. «راه بیان رفتن آدمی است در پی توشه و زاد؛ و راه تحرک جان است که آرام ندارد و جسم مرکب جان است تا از منزلی به منزلی سفر کند و هرکه از مرکب خود غافل شود، سفر او به پایان نخواهد رسید و سفر آدمی را پایانی نیست و راه‌های ما، چون ماست: گاه سنگلاخ، گاه آباد، گاه پیچ‌واپیچ، گاه راست و راه‌هایی که بر زمین می‌کشیم، خراشی است بر زمین و ما راه‌هایی دیگر در خود داریم؛ راهی از اندوه، راهی از شادمانی، راهی از دوست‌داشتن، راهی از اندیشیدن، راهی از رستن و گاهی راهی که انزجار ماست؛ راهی که شکست آدمی است؛ راهی که به هیچ‌جا نمی‌رود. راه بی‌فرجام؛ چنان رودی به مرداب. راه، زندگی است. راه، خود آدمی است و آدمی راهی است هرچند کوچک، روان بر صفحه بی‌کران هستی؛ گاه بی‌فرجام، گاه نیک‌فرجام».

تولد پدرخوانده ایرانی

احمد شاهوند: محمدحسین مهدویان در اولین تجربه سریال‌سازی داستانی‌اش با اینکه جاه‌طلبی‌های «آخرین روزهای زمستان»، «ایستاده در غبار»، «ماجرای نیمروز (یک و دو)» و «درخت گردو» را در اجرا ندارد، اما کارگردانی درجه یک و کاربلد نشان داده است. «زخم کاری» در همه ابعاد اجرایی‌اش، استاندارد است و این شاید کمترین توقع از کارگردانی است که پس از حدود نیم دهه موفقیت در مدیوم سینما بار دیگر به سریال‌سازی و این‌بار از نوع داستانی‌اش وی آورده است. سه رکن اساسی هر اثری اعم از فیلم و سریال، کارگردانی، فیلم‌نامه و بازی‌ها هستند که عیار آن را مشخص می‌کنند. در ادامه نگاهی به این سه رکن در «زخم کاری» به‌صورت مجزا دارم که با هم می‌خوانیم:

کارگردانی

«زخم کاری» در کارگردانی و صد البته فیلم‌برداری، تدوین و موسیقی تا پایان قسمت سوم بی‌شک بهترین و تحسین‌برانگیزترین سریال شبکه نمایش خانگی است. حتی از اجرای «قورباغه» و دو قسمت ابتدایی «می‌خواهم زنده بمانم» هم بهتر است.

مهدویان در ادامه نگاه تجربه‌گرایی خود با انتخاب دوربین ناظر و بی‌طرف که از اولین سریالش «آخرین روزهای زمستان» می‌آید و طی یک دهه به سبک منحصربه‌فردی برای او تبدیل شد، «زخم کاری» را کارگردانی کرده است. با یک فرق اساسی که با توجه به انتخاب داستان و فضا و روابط بین کاراکترها، از نکات مثبت کارگردانی مهدویان است. دوربین ناآرام و بی‌قرار و روی دست جایش را به دوربین آرام و موقر و البته همچنان بی‌طرف داده است. با وجود فضای ملتهب داستان، اما این‌بار دیگر از تکان‌های عصبی دوربین خبری نیست. این دفعه التهاب از حرکت بطئی و آرام دوربین به درون شخصیت‌ها می‌آید. مهدویان شاید اولین کارگردانی باشد که در دو دهه اخیر بار دیگر از تکنیک کلیشه‌ای و کهنه‌شده «زوم فوروارد» و در موارد معدود «زوم‌بک» به نحو احسن و به‌شدت کاربردی بهره گرفته است. در واقع او این تکنیک قدیمی را بار دیگر در سینمای ایران زنده کرده است.

میزانسن‌های حساب‌شده، از دیگر نکات مثبت «زخم کاری» است که مهدویان نشان داده در آن به استادی رسیده است. برای نمونه به فصل پایانی قسمت سوم اشاره می‌کنم که تا اینجا شاه‌سکانس این سریال بوده. نوع آمدن مالک به خانه حاج عمو، موقعیت روبه‌روشدن او با افراد فامیل، بی‌اعتنایی او به جمع و حرف‌هایشان و سپس سهم‌خواهی‌اش که عصبانیت و هجوم ناصر را در پی دارد که افراد فامیل با نزدیک‌شدن به او (چیدمان آدم‌ها کنار هم برای رویارویی با افشای حقیقت توسط مالک که قابی به‌شدت زیبا خلق می‌شود) قصد دارند جلویش را بگیرند، مالک تنها و پرقدرت بازی را در برابر جمع فامیل برنده می‌شود. تنها می‌ماند نکته‌ای که همچنان برایم جای سؤال است و دلیلش را متوجه نشده‌ام: مکث‌های یکی دو ثانیه‌ای سیاه‌رنگ بین فصل‌ها. امیدوارم با انتشار فصل‌های جدید این ترجیع‌بند تعجب‌برانگیز تعریفی برای حضورش داشته باشد.

بازی‌ها

جواد عزتی تا قبل از فصل پایان قسمت سوم، همانی بود که از او انتظار می‌رفت، نه کم و نه البته بیشتر؛ اما با اجرای معرکه‌اش در جلسه خانه حاج عمو برای تعیین‌تکلیف سهم‌ها، ناگهان چشم‌ها را به سمت خود خیره کرد. گویی پدرخوانده‌ای ایرانی متولد شده است. بی‌تفاوتی او در جلسه درحالی‌که مشغول بازی با پرزهای روی جورابش است (البته در قسمت اول و در جلسه با نروژی‌ها هم بی‌اعتنا به جلسه با فندکش مشغول بود)، در سکوت به حرف‌ها گوش می‌دهد و سپس نوبت اوست که هنرنمایی کند. همان‌طورکه افراد فامیل مات و مبهوت حرف‌های مالک شده‌اند، تماشاگران هم مات و مبهوت نقش‌آفرینی مثال‌زدنی جواد عزتی می‌شوند. به‌ویژه جایی که فریاد می‌زند: «سودابه». لبخند معنی‌دار او هنگام خروج از خانه حاج عمو در حالی سیگاری لای انگشتانش دارد، تا مدت‌ها در یاد مخاطب خواهد ماند. رعنا آزادی‌ور هرچند بهترین بازی کارنامه عمرش را انجام داده اما انتخاب خوبی برای نقش سمیرا نیست. سمیرا را بازیگری باید بازی می‌کرد که در چهره و حرکات و رفتارش اصل جنس باشد و آزادی‌ور آن ابهت و بزرگی را ندارد.

سعید چنگیزیان هم عالی است و به‌خوبی از عهده نقش ناصر برآمده است. عصبانیت و حرصش از سهم‌خواهی مالک در همان فصل پایانی قسمت سوم دیدنی است.

بی‌نهایت خوشحالم که پس از مدت‌ها دوری، سیاوش طهمورث را می‌بینم که بار دیگر توانایی‌هایش را به رخ مخاطبان کشیده است. او با اینکه گرد پیری بر چهره‌اش نشسته اما بیان و چهره‌اش همچنان صلابت دارد. عباس جمشیدی در دومین همکاری‌اش با مهدویان سرانجام موفق شد توانایی‌هایش را در ایفای یک نقش جدی نشان دهد. تنها نقطه ضعف قسمت سوم قطعا شخصیت منصوره و بازی هانیه توسلی است. منصوره نه‌تنها کاراکتر ویژه‌ای تصویر نشده، بلکه هانیه توسلی هم موفق نشده چیزی به آن اضافه کند. گویی «هستی» از سریال «میوه ممنوعه» مستقیم به «زخم کاری» پرتاب شده است... اما شاید قضاوت زود باشد. باید منتظر اتفاقات بعدی و عکس‌العمل‌های کاراکترها با جان‌بخشی بازیگران به آنها باشیم.

فیلم‌نامه

مهدویانِ نویسنده تمامی سعی‌اش بر این بوده که به رمان «بیست زخم کاری» وفادار بماند. نام شخصیت‌های اصلی، روند داستان و حتی برخی دیالوگ‌ها با کوچک‌ترین تغییر در فیلم‌نامه هم آمده‌اند و ضمن اینکه اسکلت اصلی فیلم‌نامه و رمان بر پایه ساختار اصلی «مکبث» شکسپیر است، شاید چندان نتوان هنر نویسندگی مهدویان در این سریال را به چالش کشید اما اگر بخواهم نیمه خالی لیوان فیلم‌نامه را ببینم، شخصیت‌پردازی کلیشه‌ای در قسمت اول بیشتر از هر بخش دیگری به چشم می‌آید. زن زورگو و طماع (سمیرا)، مرد منفعل باهوش! (مالکی)، بزرگ خاندانِ همیشگی (حاج عمو) و عموزاده حسود (ناصر) و یک‌سری کاراکتر که نویسنده حتی به خودش زحمت نداده در قسمت اول در حد یک جمله معرفی‌شان کند: نجفی (با تکیه‌کلام کلیشه‌ای و زیادی نخ‌نمای «دهنتو...!»)، اخوان و احمد مظفری. این سه شخصیت نه نسبتشان معلوم است و نه حضورشان تعریفی دارد. اینجاست که مهدویان با عدم آگاهی نسبت به دو مدیوم «رمان» و «تصویر» با وفاداری به «رمان» به لحاظ تصویری نتوانسته تمهیدی برای معرفی آدم‌های زیاد قصه‌اش بیندیشد. البته ناگفته نماند که در قسمت‌های دوم و سوم این نقص برطرف می‌شود اما برای ارزش‌گذاری، قسمت اول یک سریال است که عیار آن را تا حدودی تعیین می‌کند. دیالوگ‌نویسی «زخم کاری» درحالی‌که روان و خوب است اما می‌توانست خیلی بهتر باشد. متأسفانه دیالوگ‌نویسی در ایران اصلا و ابدا جدی گرفته نمی‌شود و این در حالی است که بخش اعظمی از ماندگاری «قیصر»، «طوقی»، «گوزن‌ها» و اکثر ساخته‌های مسعود کیمیایی و علی حاتمی مرهون دیالوگ‌های به‌غایت زیبا و تأثیرگذار و شنیدنی آنهاست. امیدوارم «زخم کاری» با سطح توقعی که در پایان‌بندی قسمت سوم برای مخاطب به وجود آورده و رضایت بی‌سابقه ۹۹ درصدی مخاطب را در سایت و اپلیکیشن فیلیمو ثبت کرده، با همین فرمان تا انتها پیش برود تا در پایان شاهد ثبت یک سریال درجه یک و دیدنی در شبکه نمایش خانگی و کارنامه موفقیت‌آمیز محمدحسین مهدویان باشیم.

زیر آسمان فیروزه‌ای

جشنواره انسی برندگانش را شناخت

● انیمیشن «فرار» ساخته جوناس پوهر راسموسن برنده بزرگ جوایز انسی موفق شد هم جایزه بهترین فیلم بلند را کسب کند و هم جایزه بهترین موسیقی اورجینال را از آن خود کند.

این فیلم که در جشنواره ساندنس به عنوان برنده جایزه بزرگ هیئت داوری از سینمای جهان انتخاب شده بود و در جشنواره گوتبورگ هم جایزه بهترین مستند نوردیک را برد، به عنوان یک داستان فلسفی و پیچیده از فرار توصیف شده و داستان واقعی امین در آستانه ازدواج را تصویر می‌کند که تصمیم می‌گیرد بخش پنهان زندگی‌اش در ۲۰ سال گذشته را عیان کند. در این فیلم داستان دراماتیک زندگی امین به عنوان یک پناهنده افغان به دانمارک تصویر شده است. جایزه هیئت داوران هم به «معاد آفتابی من» اولین فیلم بلند ساخته میکائلا پاولاتووا اهدا شد. این فیلم محصول مشترک جمهوری چک و فرانسه و درباره زن جوانی از چک است که با یک مرد افغان ازدواج می‌کند و به زندگی در افغانستان در دوره پس از طالبان می‌پردازد. انسی کمتر به موضوعی خاص به طور ویژه در جشنواره پرداخته اما موضوع اصلی فیلم‌های امسال و به ویژه برندگان بر مهاجرت و پناهندگی استوار بود. فیلم «عبور» ساخته فلورانس میاهی نیز که در بخش رقابت اصلی جای گرفت اولین انیمیشن بلند روی شیشه است که فرار از یک کشور نامشخص اروپای شرقی را تصویر کرده است. «پوسته» ساخته ساموئل پتی و سیلیون مانی هم جایزه کریستال بهترین فیلم کوتاه را در بخش رقابتی از آن خود کرد. این انیمیشن با مداد نقاشی شده و درباره زندگی در خانه سالمندان در سوئیس است. در بخش فیلم کوتاه «تخم‌مرغ‌های عید پاک» انیمیشن دوبعدی نیکلاس کیپینس برنده جایزه داوران شد. این فیلم درباره دو جوان در یک رستوران چینی است که می‌خواهند پرنده عجیبی را به فروش برسانند.

شبکه نسیم تدارک تابستانی دید

● فصل اول مسابقه بزرگ «دورهمی» با اجرا و کارگردانی مهران مدیری در این دوره به پخش خود ادامه می‌دهد. این برنامه با رویکرد آموزشی و برپایه آگاهی‌بخشی طراحی و تولید شده است و با سؤالات فرهنگی، هنری، ادبیات و تاریخ و... بستری مناسب برای سرگرمی و نشاط‌آفرینی را ایجاد می‌کند. ۱۲۸ نفر شرکت‌کننده در فصل نخست این برنامه از میان بیش از شش هزار نفر شرکت‌کننده در آزمون ورودی آنلاین و حضوری برای «دورهمی» انتخاب شده‌اند که با حضور در مراحل مسابقه به فینال و جایزه این برنامه دست خواهند یافت. «دورهمی» روزهای جمعه تا دوشنبه هر هفته ساعت ۲۳ از شبکه نسیم پخش می‌شود. «خندوانه» در ادامه فصل هفتم با کارگردانی و اجرای رامبد جوان با دعوت از میهمانان نام‌آشنا در روزهای سه‌شنبه تا پنجشنبه ساعت ۲۳ به پخش خود ادامه می‌دهد که اتفاقات مهمی را در پی خواهد داشت. مجموعه طنز تلویزیونی «دست‌انداز» دیگر عنوانی است که از سال جدید با توجه به رویکرد شبکه نسیم طراحی و تولید شده است. این مجموعه آیتمی، شوخی با برنامه‌های تلویزیونی را محور اصلی قرار داده و با آیتم‌های متنوع، فضایی دلنشین را خلق کرده است. علاقه‌مندان می‌توانند این برنامه را به کارگردانی شهاب عباسی و بازی آرش میراحمدی، ابراهیم شفیعی، کوروش معصومی، مرتضی رستمی، سوسن پرور، میثم رستگاری و... هر شب ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه نسیم تماشا کنند.

«ورزشیا» عنوانی برای دوستداران دنیای ورزش است که با نگاه به جذابیت این حوزه، طراحی و پیش‌بینی شده است و در ایام رقابت‌های یورو ۲۰۲۰ بر وجه سرگرمی و نشاط‌آفرینی که زیر پوست رقابت‌های فوتبال جریان دارد، متمرکز شده است.

این برنامه با آیتم‌های متعددی با معرفی کشورهای شرکت‌کننده، علاوه بر نگاهی شاد و سرگرم‌کننده به اتفاقات جام ملت‌های اروپا، با زبانی طنز این رویداد را بررسی می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند این برنامه را هر شب ساعت ۲۲:۱۵ به تماشا بنشینند.

«کارستون» با میثم درویشان‌پور به سراغ مشاغل و فضاهای کاری مختلف می‌رود و ضمن تجربه آن شغل، لحظات شاد و سرگرم‌کننده‌ای را خلق می‌کند. این برنامه شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۲:۱۵ روی آنتن می‌رود. «حالا برعکس» مجموعه‌ای است که با نگاهی متفاوت فرایند تولید برنامه تلویزیونی را با نمایی طنز به تصویر می‌کشد و در این مسیر پشت صحنه برنامه «خندوانه» را بستر روایت خود قرار داده است. این مجموعه برداشتی طنزگونه از برنامه خندوانه است که با کارگردانی محمود کریمی و با بازی حامد همایون خواننده پاپ کشورمان، در کنار جمعی از بازیگران باسابقه تئاتر و تعدادی از اهالی «خندوانه» برای تابستان تدارک دیده شده است.

«حالا برعکس» سعی دارد اتفاقات تولید برنامه را از دریچه‌ای متفاوت و با لحنی شیرین به نمایش بگذارد و هر شب ساعت ۲۱ میهمان خانه‌های مخاطبان باشد.

«هوش برتر» نیز بر اساس روال گذشته با فرمی نوین، دکوری هوشمند و ساختاری کاملا متفاوت با حضور شرکت‌کنندگان برتر خود با اجرای آریا طاهری هر روز ساعت ۱۹ پخش می‌شود.